

## مقاله پژوهشی

### راهبرد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران

#### در خاورمیانه بر اساس نظریه امنیتی

مکتب کپنهاگ (۲۰۱۹-۲۰۱۴)

صادق شاهوارپور نجف‌آبادی<sup>۱</sup>، حامد محقق نیا<sup>۲</sup>، فریدون

اکبرزاده<sup>۳</sup>، بهرام یوسفی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

**چکیده:** هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و روی کار آمدی جمهوری اسلامی قدرت‌های جهانی با روش‌های مختلف از جنگ نظامی گرفته تا انواع تحریم‌های اقتصادی تلاش نمودند انقلاب اسلامی را خنثی و متوقف سازند. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران به جهت حفظ امنیت و حیات خود و گسترش گفتمان انقلاب سیاست تشکیل گروه‌های مقاومت را در منطقه غرب آسیا در پیش گرفت. در این پژوهش تلاش شده سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و نقش گروه‌های مقاومت در آن‌ها و نیز ارتباط این سیاست‌ها با مکتب امنیتی کپنهاگ بررسی گردد. سوال اصلی پژوهش که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان راهبرد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را با اثرپذیری از مکتب کپنهاگ مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ همچنین فرضیه به این صورت مطرح می‌گردد که به نظر می‌رسد راهبرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه نظامی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی در منطقه خاورمیانه تحت تاثیر تئوری مکتب کپنهاگ و نظریات باری بوزان شکل گرفته است.

**واژگان کلیدی:** جمهوری اسلامی، امنیت، مکتب کپنهاگ، محور مقاومت، ایران.

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: [mohagheghnia7877@gmail.com](mailto:mohagheghnia7877@gmail.com)

۳. استاد گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
۴. استاد گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

## ۱. مقدمه

اگرچه کمتر از یک قرن است که اهمیت منطقه خاورمیانه و جایگاه اساسی و راهبردی آن در جغرافیای سیاسی و ثروت جهانی مشخص گردیده است اما در این عمر کوتاه نیز خاورمیانه توانسته بیش از هر منطقه استراتژیک دیگر در دنیا کانون نخست توجهات بین‌المللی را معطوف به خود سازد. خاورمیانه محل تقاطع دو دریا و سه قاره بزرگ و زادگاه شخصیت‌های مشهور دینی و نظامی از دوران باستان بوده که همواره مورد نظر قدرت‌های بزرگ تاریخی بوده است. اما در دوران معاصر علاوه بر جاذبه‌های سنتی موجود در منطقه، منابع تولید ثروت آن یعنی نفت نیز بر میزان رقابت‌ها بر سر این بخش دنیا افزوده است. بر اساس آمارهای موجود خاورمیانه منطقه‌ای استراتژیک از نظر جغرافیایی و انرژی است و ۵۶٪ درصد از منابع نفت زمین در این منطقه قرار دارد. این منطقه به عنوان حلقه اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا محسوب می‌شود. ایران با توجه به توانمندی‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی- فرهنگی- نظامی- جغرافیایی و در یک کلمه واقعیت‌های ژئوپلیتیکی آن یکی از کشورهای بسیار مهم منطقه به حساب می‌آید. این کشور با توجه به موقعیت ارتباطی آن در کانون راه‌های ارتباطی و مواصلاتی اوراسیا واقع شده است. بنابراین، این گستره جغرافیایی برای پیوند جغرافیای میانی و به عبارتی هارتلند هندسی اوراسیا با پهنه آب‌های آزاد و دنیای خارج از موقعیت ویژه‌ای بهره می‌برد. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ قدرت‌های غربی به ویژه ایالات متحده تمامی تلاش خود را معطوف به تضعیف و در نهایت سرنگونی نظام برخاسته از انقلاب اسلامی ایران نمودند. این تلاش‌ها هم در قالب تهدیدات سنتی یعنی تهدید نظامی و هم در قالب تهدیدات مدرن مانند تحریم‌های اقتصادی نمود یافته است. ایالات متحده با این استدلال که اقدامات ایران موجب بی‌ثباتی در منطقه از طریق فعال کردن گروه‌های شبه نظامی شده و با این هدف که ایران را دارای رفتار مسئولیت‌پذیر کند اقدام به تحریم گسترده این کشور نموده است. بر این اساس و در پاسخ به این تهدیدات، شاهد شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت همانند حزب‌الله لبنان در مرزهای اسرائیل و تقویت و شکل‌گیری جریانات مقاومت در درون اراضی اشغالی همانند جهاد اسلامی و حماس می‌باشیم که منبعث از اندیشه‌های انقلاب اسلامی و حمایت‌های مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران است که با رد مشروعیت اسرائیل، امنیت و بقاء آن را با مخاطره جدی مواجه ساخته‌اند. در واقع شکل‌گیری جریانات مقاومت که به نوعی ملهم از شعارهای انقلاب اسلامی به معنای ایستادگی و مقاومت در برابر قدرت‌های زیاده‌طلب برای احقاق حقوق خود بود، موجبات

تجربه عملی برای دیگر مقاومت‌های منطقه به خصوص در برابر اسرائیل را مهیا گردانید. در این تحقیق بنا داریم بر اساس مکتب کپنهاگ راهبرد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه بین سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ میلادی را بررسی و تئوریزه نماییم. دلیل انتخاب این برهه در این تحقیق این بوده است که در این فاصله زمانی ۶ ساله چندین اتفاق مهم در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوست. شکل‌گیری گروه تروریستی-تکفیری داعش به عنوان یک تهدید بزرگ علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران و هم‌زمان فعال‌تر شدن گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه به ویژه جهت مبارزه با داعش باعث شد این مقطع زمانی دارای اهمیت ویژه‌ای گردد. همچنین در این سال‌ها شاهد هجوم گسترده ارتش عربستان سعودی به یمن بوده‌ایم که با مقاومت یکی دیگر از گروه‌های نیابتی مورد حمایت ایران یعنی انصارالله مواجه شدند. در سال ۲۰۱۴ نیز ارتش رژیم اسرائیل با هجوم به باریکه غزه با مقاومت گسترده یکی دیگر از گروه‌های نیابتی یعنی جنبش حماس مواجه گردید و نتوانست به اهداف خود دست یابد. در عرصه سیاسی نیز پرونده هسته‌ای ایران با کشورهای غربی بعد از سال‌ها به توافق برجام منجر شده ولی پس از حدوداً ۳ سال و با روی کار آمدن دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا این توافق متوقف گردید. باید گفت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای مخالف نظام سلطه تلاش نموده از طریق تشکیل و پشتیبانی از گروه‌های مقاومت به هدف خود که همانا مقاومت در برابر تفکر سلطه‌گری غرب می‌باشد دست یابد. به دلیل اهمیت بالای گروه‌های مقاومت در مناسبات سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه بدیهی است هرگونه تحلیل و پژوهش در خصوص آینده این منطقه در گرو شناخت صحیح از این گروه‌ها بوده و جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور مقاومت اصلی‌ترین هدف در به دست آوردن این شناخت می‌باشد.

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع که به بررسی جایگاه این گروه‌های نیابتی در سیاست خارجی ایران و تاثیر این نیروها بر امنیت ملی ایران در منطقه و همچنین ارتباط این سیاست با مکتب امنیتی کپنهاگ می‌پردازد، از سه شیوه توصیفی، تاریخی و تحلیلی استفاده شده است. در طی سال‌های اخیر با فعال شدن گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در خصوص چگونگی تشکیل این گروه‌ها، سیاست‌های ایران در مواجهه با این گروه‌ها، اثرات این اقدامات تروریستی در نظم خاورمیانه و ... شده است. پژوهش حاضر در تلاش است فعالیت‌ها و اقدامات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به ویژه در حوزه تشکیل گروه‌های مقاومت با توجه به

نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ بررسی نماید. در واقع پیدا کردن ارتباط بین این مکتب و سیاست‌های منطقه‌ای ایران به طور اعم و تشکیل گروه‌های مقاومت به طور اخص باعث جدید بودن و نوآور بودن این پژوهش می‌گردد. انتظار می‌رود پس از پایان این پژوهش سیاست‌های منطقه‌ای ایران در خاورمیانه و چرایی اتخاذ این سیاست‌ها برای خواننده روشن و مشخص گردد. با توجه به نکات مطرح شده تلاش شد به صورت مختصر خاورمیانه، راهبردهای امنیتی ایران در این منطقه و همچنین مکتب امنیتی کپنهاگ معرفی و شرح داده شود و در ادامه وجوه اشتراک بین این راهبردهای مقاومتی با مکتب امنیتی مذکور را بررسی نموده و مشخص کنیم که آیا اساساً این امکان وجود دارد که بر اساس این مکتب راهبرد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را بررسی و تحلیل نمود؟ به این ترتیب سوال اصلی پژوهش به این شرح مطرح می‌گردد که چگونه می‌توان راهبرد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را با اثرپذیری از مکتب کپنهاگ مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ همچنین فرضیه این تحقیق عبارت است از این‌که: راهبرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه نظامی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی در منطقه خاورمیانه تحت تاثیر تئوری مکتب کپنهاگ و نظریات باری بوزان شکل گرفته است.

## ۲. پیشینه تحقیق

حسنعلی شوقی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «راهبرد سیاست خارجی ج.ا. ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری یمن، عراق و سوریه» به بررسی راهبرد اصلی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با گروه‌های تکفیری می‌پردازد و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌نماید که پیدایش و تقویت گروه‌های تکفیری در منطقه خاورمیانه، پس از حمله آمریکا به عراق و نیز در نتیجه بهار عربی و در خلاء امنیت ناشی از آن چارچوب‌های امنیتی مجموعه امنیتی خاورمیانه را دچار چالش نموده است.

ویکتور اولویرا (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «مکتب کپنهاگ و نظریه امنیت» بیان می‌دارد که مسائل امنیتی و دفاعی به صورت جهانی ثابت نیستند بلکه از بستری سیاسی و اجتماعی و از یک تفسیر بین‌الذہانی و برگرفته از ایده‌ها و ارزش‌ها ساخته شده‌اند که به دنبال تفسیر جهان مادی هستند. در این معنا، درک امنیت و دفاع به لزوم درک ابعاد سیاسی، ایدئولوژیک، تاریخی و اجتماعی که حول یک پدیده خاص می‌چرخد و به چگونگی تأثیرگذاری برنامه‌های امنیتی در این جنبه‌ها ختم می‌شود. محمد عایدی و نجیب الله راستین (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برقراری همگرایی در خاورمیانه و موانع آن» در پی پاسخ به این سوال که

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای شکل‌گیری همگرایی در منطقه خاورمیانه چیست و چه چالش‌ها و موانعی در راه رسیدن به این هدف وجود دارد بوده است و به این نتیجه می‌رسند که یکی از هدف‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک کشور مهم و تأثیرگذار در خاورمیانه، تلاش برای نزدیکی و همکاری با کشورهای منطقه و تحقق بخشیدن به همگرایی منطقه‌ای بوده است.

پینار بیلگین<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) در کتاب خود با نام «امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه»<sup>۶</sup> تحلیلی اجمالی از مباحث امنیتی مربوط به کشورهای خاورمیانه از گذشته تا زمان حال و از زمان حال تا آینده ارائه می‌دهد. وی در این کتاب ابتدا به بیان بازنمودهای امنیتی خاورمیانه در دوران جنگ سرد و رویکردهای عملی این کشورها در این زمینه پرداخته و پس از آن رویه‌های عملی این کشورها در حوزه مسائل امنیتی در دوران پس از جنگ سرد را بیان می‌دارد. نویسنده دیدگاه‌های متعارض در این زمینه را بیان کرده و برداشت‌های متفاوت در این زمینه به نوع جهان‌بینی موجود در این موضوع دانسته است. هم‌چنین با استفاده از یک رهیافت غیرواقع‌گرا، به بررسی جامعی از وضعیت امنیت منطقه خاورمیانه در گذشته، حال و آینده پرداخته و با توجه به شکل‌گیری هویتی کشورهای این منطقه از دنیا، به تبیین آینده امنیت در این منطقه پرداخته است.

سید ذکریا محمودی و علی باقری دولت‌آبادی (۱۳۹۹) در «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی» به بررسی نقش محور مقاومت در مقابله با نظام سلطه و آینده این نظام می‌پردازد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که محور مقاومت در نظریه والرشتاین جزء آن دسته از جنبش‌های جدید جهان سوم است که مضامین جهان شمول غربی را رد می‌کنند و در شکل‌های بومی، اعتراض اغلب در پوشش مذهبی مطرح می‌شود.

### ۳. مبانی نظری؛

#### ۳-۱. مفهوم امنیت

امنیت اصلی‌ترین وظیفه‌ی دولت ملی و مهم‌ترین موضوعی است که تاکنون تحت عناوینی مثل جنگ و صلح، مطالعات استراتژیک و مطالعات امنیت ملی مورد توجه دانشوران روابط بین‌الملل قرار

5. Pinar Bilgin  
6. Regional Security in the Middle East

گرفته است. در عین حال امنیت مفهومی پیچیده، متعارض و شدیداً متکی به نگرش‌ها و ارزش‌هاست (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۲۶). امنیت مفهومی است مبهم که تعریف از آن غالباً حول محور امنیت ملی بوده است. همین ابهام باعث گردیده مفهوم امنیت بارها با تاویلات گوناگون مواجه شود (Tablet, 2011: 6). واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان تلاش‌های بسیاری برای ارائه مفهوم جامع برای آن داشته‌اند. واقع‌گرایان با نمایندگی کسانی مانند ای.اچ.کار و هانس مورگنتا<sup>۷</sup> امنیت را از مشتقات قدرت می‌شمردند. به نظر آن‌ها: چنان‌چه بازیگر نظام بین‌المللی قدرت کافی برای کسب موقعیت مسلط به دست آورد امنیتش تضمین می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵). البته این راه‌حل ساده در نظام بین‌الملل کارایی نداشته است و بیشتر منجر به طرح مشکل «معمای امنیت»<sup>۸</sup> مورد نظر جان هرترز<sup>۹</sup> شده است و هر بازیگری را مترصد افزایش قدرت نظامی و تثبیت و گسترش مرزها و منافع خود می‌کند. به طوری که اقدامات امنیتی از سوی کشورهای مختلف منجر به مقابله به مثل و تسلسل بی‌نهایت می‌شود.

### ۲-۳. مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ تنها مکتبی است که به طور انحصاری مبتنی بر مطالعات امنیتی می‌باشد و در پی پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی است و مطالعات امنیتی را از مطالعات استراتژیک تفکیک کرده و در زیرمجموعه روابط بین‌الملل قرار داده و مطالعات استراتژیک را نیز در ذیل مطالعات امنیتی مورد مطالعه قرار می‌دهد. مکتب کپنهاگ رویکردی است جهت مطالعه امنیت که به سبب قاعده‌مندی‌اش در ارائه مفاهیم جدید هم‌چون امنیت‌سازی، ابعاد امنیتی و پیچیدگی‌های امنیت اهمیت یافته است. لذا این مکتب متشکل از نظریه‌های مختلفی است از جمله «امنیتی‌سازی»، «امنیت‌زدایی» و «امنیت موسع». تلاش‌های بوزان، ویور و سایر اعضای مکتب کپنهاگ به منظور پی‌ریزی شالوده‌ای نظری برای فهمی گسترده برای امنیت و مطالعات امنیتی می‌باشد که سعی در بازنگری در فرآیندهایی دارد که طی آن مسائل تبدیل به مسائل امنیتی می‌شوند. مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و نقطه نظرات باری بوزان، ال ویور، دووید و برخی دیگر به کار برد (قادری کنگاوری، ۱۳۹۷: ۱۳۱). از نظر باری بوزان پنج عامل اساسی در عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی مفهوم امنیت دخالت داشته است که عبارتند از: پیچیدگی موضوع، تابعیت امنیت از

7. E. H. Carr & Hans Morgentau

8. Security Puzzle

9. John Hertz

قدرت، واکنش علیه رئالیسم فراملی، ماهیت مطالعات استراتژیک و استفاده ابزاری از امنیت. بوزان با انتقاد از رویکرد تحدیدکننده رئالیسم، سعی در خارج کردن مطالعات امنیتی از دستور کار سیاسی به دستورکار آکادمیک دارد(همان: ۱۳۵).

### ۳-۳. یافته‌ها و کاستی‌های مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ مانند سایر مکاتب مطرح در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل عاری از اشکال نبوده، برخی از اندیشمندان نسبت به آن ایراداتی را وارد دانسته‌اند. در ادامه برخی از مهمترین انتقادات مطرح شده در این خصوص بیان می‌شود. اگر مکتب کپنهاگ را به مفهوم فنی «مکتب»<sup>۱۰</sup> بنامیم اصولاً مکتب نیست؛ در واقع به تسامح این نگرش را (School) می‌گویند. در ادبیات فنی School به روالی گفته می‌شود که پاسخی مشترک به پرسش‌های به نسبت متفاوت می‌دهد. پس هر جا ما با پاسخی نسبتاً مشترک برای پرسش‌های به نسبت مشترک داریم می‌توانیم از School استفاده کنیم. مثلاً مکتب اسلام، مکتب کمونیسم و... چون این‌گونه مکاتب دارای چارچوب هستند، مفاد و مفهوم<sup>۱۱</sup> دارند. مکتب کپنهاگ چارچوبی اسلوب‌مند و مستق از سایر مکاتب ندارد. مفاهیم مکاتب دیگر مانند نئورئالیسم در مکتب کپنهاگ موج می‌زند. یکی از پارامترهای اصلی در توزیع دسته‌بندی موضوعات امنیتی در مکتب کپنهاگ اصل وابستگی متقابل موضوعات امنیتی با یکدیگر است. یعنی تغییرات و تحولات امنیتی در هر یک از کشورهای منطقه، تأثیر مستقیم بر دیگر کشورهای منطقه می‌گذارد. نکته دوم حضور الگوهای دوستی و دشمنی است؛ در واقع فرهنگ موجود در یک منطقه، اگر واجد خصلت‌های دوستی و دشمنی باشد می‌تواند زیرساخت‌های فرهنگی یک منطقه را ایجاد کند. نکته موثر دیگر مجاورت است؛ یعنی پیرامون و نزدیک وجه ممیز تهدید بوده و تهدیدات مشروط به این است که از کشورهای مجاور صورت بگیرد. نکته بعدی وجود حداقل دو بازیگر موثر است. مناطقی که فاقد بازیگران موثر امنیتی هستند، مناطق امنیتی تلقی نمی‌شوند. بحث مطرح شده‌ی دیگر استقلال نسبی از سایر مجموعه‌های امنیتی است. نکته بارز دیگر در خصوص توزیع اولویت‌ها در موضوعات امنیتی مکتب بوزان، توجه مجدد به مفهوم امنیتی ساختن است، دلیل آن هم نظارت بر حکومت‌های<sup>۱۲</sup> داخلی است؛ در آن جایی که رهبران موضوعات را امنیتی می‌کنند. این موضوع به

10. School

11. Context

12. Internal governments

واقع یک اقدام گفتمانی است؛ یعنی بر اساس طرح و القا از یکی از طرفین که دنبال امنیتی‌سازی و گفتمان موفق است واجد چند ویژگی است. برای تحقق امنیتی کردن چهار ویژگی لازم است:

الف. گفتمان امنیتی‌سازی که تلاشی است برای امنیتی جلوه دادن کشور؛

ب. شکست قوانین و رویه‌های موجود؛

ج. مشروعیت تهدیدات وجودی برای شکستن قوانین؛

د. پذیرش آن از سوی مخاطبین؛ خواه از روی اجبار خواه از رضایت.

نکته اساسی در مکتب کپنهاگ این است که ما در سیاست‌گذاری امنیتی باید فرآیند غیرامنیتی کردن را در پیش بگیریم. بوزان معتقد است برای رسیدن به امنیت پایدار باید شعاع این امنیتی کردن را کمتر کنیم. یعنی به جای نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، احزاب و سازمان‌ها و NGOهای مدنی مسئولیت‌ها را به عهده بگیرند. در واقع این نکته اساسی مکتب کپنهاگ است که چگونه می‌توانیم مسائل را امنیتی نبینیم؟ در حالی که خود بوزان یکی از پیشگامان امنیتی کردن مسائل غیرامنیتی است. معیار اینکه ما مسائل را چگونه ببینیم یا نبینیم، بوزان تعیین نمی‌کند. مهم‌تر از آن به فرض ما رفته رفته از امنیتی بودن مسائل بگذریم، آیا در همه مناطق دنیا می‌توانیم این کار را کنیم؟ مثلاً در منطقه خاورمیانه که دولت اصلی‌ترین بازیگر و ارباب جامعه است آیا دولت می‌تواند مسائل را امنیتی نبیند؟ در بحران‌های گوناگون اجتماعی، بوران و ویبر با طرح مسائل مختلف، اجتماع را در مقابل دولت قرار می‌دهند. گویا دولت در همه جا یک عنصر نامشروع است که باید برانداخت. در اینجا انتقادی که وارد است این است که به فرض که دولت را تضعیف و محدود کردیم یا اصلاً از بین بردیم آیا جانشینی برای آن وجود دارد؟

#### ۳-۴. نقد روش شناختی بر تحلیل بوزان

رویکرد بوزان در معرض نقدهایی قرار گرفته است. اکثر این انتقادات در زمینه تحمیل یک نظریه واقع‌گرایانه و دولت‌مدار در سطح بین‌قومی (درون‌دولتی) ایراد شده‌اند. به عنوان مثال جوزف لپید<sup>۱۳</sup> و فردریک کراتوچ ویل<sup>۱۴</sup> اظهار می‌دارند که رویکرد بوزان با قدرت پیشنهاد می‌کند که در وضعیت آنارشی از اجزا (چه افراد باشند، چه دولت ملت‌ها، چه ملل و چه دولت‌ها) می‌توان انتظار داشت که

13. Joseph Lipid

14. Frederick Kratochvil



در تطابق با همان منطق نواقح‌گرایی رفتار نمایند. به بیان دیگر، در یک آنارشی نوظهور، همه اجزا در سطح درون دولتی دقیقاً همانند دولت‌ها در سامانه بین‌الملل عمل می‌کنند. آن‌ها هم‌چنین خاطرنشان می‌سازند که عمدتاً از ویژگی‌های سطح اجزا به عنوان عامل ایجاد درگیری غفلت می‌کند. بوزان به ساختار نواقح‌گرایی اجازه می‌دهد که بخش اعظم توجهات خود را بر نامطلوب‌ترین سناریو بنا کند (روی، ۱۳۸۲: ۱۸). ویور از دیگر پایه‌گذاران مکتب کیهان‌گ، معتقد است رهیافت بوزان برای پردازش امنیت اجتماعی، سست بنیاد و قاصر است. به عقیده وی بوزان با تحول معنای امنیت اجتماعی و ادغام آن در امنیت ملی هویت را نادیده می‌گیرد. او پیشنهاد می‌کند امنیت اجتماعی هم‌تراز با امنیت زیست‌محیطی، امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی نیست بلکه این مفهوم هم‌سنگ امنیت ملی است. امنیت اجتماعی امری مهم و تعیین‌کننده است (Chmaytelli, 2017: 22).

#### ۴. انقلاب اسلامی ایران؛ زمینه‌های شکل‌گیری و عوامل پیروزی

بدون شک انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ در ایران یک انقلاب دینی در دوران اوج ضدیت با دین، حداقل عدم تمایل عمومی جهانی نسبت به آن بود. همین امر خود گویای یک ناسازواری است که موجب حیرت تحلیل‌گران شده است؛ انقلابی دینی در جهانی سکولار. چنین ناسازواری باعث شد تا صاحب‌نظران و متخصصان در بررسی و تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی به مقاطع زمانی محدود (عمدتاً از سال ۱۳۴۲ شمسی) اکتفا و عوامل سیاسی، دینی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی را مورد کنکاش قرار دهند. به نظر می‌رسد تطور هویتی<sup>۱۵</sup> در ایران با بهره‌گیری از عناصر و مفاهیم مدرن و تزریق محتوای اسلامی در آن توانست ذهنیت شکل‌گیری انقلاب اسلامی را در بین ایرانیان آماده کند. زیرا ملاحظات تاریخی هویت ایرانی نشان می‌دهد که دین نقشی محوری در شکل‌دهی هویتی داشته و دارد. هویت دینی از یک طرف بسان هویت ازلی در سرشت ایرانیان وجود داشته و از طرف دیگر در ادوار مختلف تاریخی توسط حاکمان مورد پشتیبانی یا سرکوب قرار گرفته است (میرزآزاده، ۱۴۰۱: ۲). به طور کلی چهار عامل عمده برای انقلاب در یک جامعه لازم است که معمولاً در هر انقلابی دیده می‌شود (رجایی، ۱۳۸۲: ۲۱):

**الف. نارضایتی عمیق از شرایط موجود؛** این نارضایتی وقتی پدید می‌آید که افراد از بهبود شرایط موجود به صورت مسالمت‌آمیز ناامید شده آن را غیرقابل تحمل ببینند.

ب. پذیرش اندیشه یا اندیشه‌های جدید جایگزین (ایدئولوژی انقلاب)؛ ایدئولوژی در هر انقلابی به منزله قانون و طرح نامه آن محسوب می‌گردد که آینده روشنی را فرا روی انقلابیون قرار می‌دهد و آنان را برای مبارزه برمی‌انگیزد.

ج. روحیه انقلابی؛ منظور از روحیه وضعی است که سبب اعتماد به نفس در افراد می‌شود، آن‌ها بی‌توجه به اقدامات سرکوب‌گرانه یا فرمبستی رژیم‌ها تنها به پیشبرد انقلاب می‌اندیشند و در راستای هدف خود که واژگونی رژیم موجود و بنای ساختار سیاسی نوین است گام بر می‌دارند.

د. وجود و نقش آفرینی ساختارهای سیاسی - اجتماعی در رهبری انقلاب؛ رهبری و ساختارها که ممکن است از مدت‌ها پیش از پیدایش وضعیت انقلابی وجود داشته باشند در گسترش ناخشنودی از وضع موجود، ارائه و تبلیغ اندیشه‌های جدید و ایجاد و گسترش روحیه انقلابی در مردم نقش عمده‌ای دارند.

### ۵. تبلور آرمان‌های انقلاب اسلامی در سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود ضمن توجه به مسائل واقعی، آرمان‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد؛ اما ماهیت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی که از مهم‌ترین و شفاف‌ترین جنبه‌های آن مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم، تقابل و نقد اساسی ارتباط حکومت پهلوی با ایالات متحده در زمینه سیاست خارجی و حمایت از مظلومین و مستضعفان در برابر استعمارگران و مستکبران است باعث گردید سیاست خارجی ایران به دنبال انقلاب اسلامی ماهیت ایدئولوژیک و آرمانی به خود بگیرد. البته بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عمل نشان می‌دهد که نظام صرفاً آرمان‌گرایی را در این زمینه دنبال نکرده است. بلکه به دنبال نوعی واقع‌گرایی نیز بوده است. مواردی از قبیل بی‌طرفی در جنگ اول خلیج فارس، مذاکره با ایالات متحده آمریکا در مورد کشورهای عراق و افغانستان و همچنین مواضع ایران درباره مساله چچن و بحران قره‌باغ نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی تنها آرمان‌گرایی بدون توجه به منافع ملی را دنبال نمی‌کند. در واقع می‌توان گفت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در نوسان است ولی دست کم در برخی موضوعات واقع‌گرایی کارایی بیشتری دارد. نظریه آرمان‌گرایی در سال‌های ۶۷-۱۳۵۹ در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رواج داشت. هر چند که اختلافاتی بین آرمان‌گرایی مورد نظر در قانون اساسی کشور و آرمان‌گرایی به عنوان یکی از مکاتب در علم روابط بین‌الملل وجود دارد با

این حال نکات جزئی مشترک را نیز می‌توان بین این دو یافت. تعریفی که از آرمان‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌گردد تاکید بر ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خاصی می‌باشد که دیدگاه دینی و اسلامی چه بسا با ارزش‌ها و ایده‌آل‌های نظام‌بین‌الملل و نظریه‌پردازان و پیروان سیاست آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل تفاوت‌های فاحش داشته باشد (ازغندی، ۱۳۸۸: ۶۶). آرمان‌گرایان با استناد به کتاب مقدس قرآن کریم و سنت و هم‌چنین رجوع به بیانات حضرت امام خمینی (ره) نظام و نظم بین‌المللی موجود را نامشروع و ناعادلانه می‌دانند و تلاش برای تغییر بنیادی آن برای ایجاد جامعه جهانی که در آن عدل اسلامی حاکم باشد را یک تکلیف دینی و واجب شرعی می‌پندارند. به گونه‌ای که هیچ مصلحت و امری نباید موجب دست کشیدن از این آرمان اسلامی و انقلابی گردد. این گروه با اشاره به تفکرات امام خمینی (ره) به صراحت اعلام می‌دارند که یکی از مهم‌ترین وظایف جمهوری اسلامی ایجاد جامعه جهانی اسلام می‌باشد. به طور کلی عناصر گفتمان آرمان‌گرایی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل بودند:

الف. شالوده‌شکنی و واسازی نظم و وضع موجود جهانی و ایجاد نظم جهانی اسلامی

ب. جایگزینی واحد امت به جای دولت - ملت

ج. صدور انقلاب

د. اتخاذ سیاست موازنه منفی در مقابل دو ابرقدرت شرق و غرب

ه. در انداختن طرحی ایدئولوژیک در عرصه روابط و سیاست خارجی

و. به حاشیه راندن ملاحظات اقتصادی در روابط خارجی

ز. انقلاب جهانی

ح. سیاست خارجی مواجهه جویانه (تاجیک، ۱۳۸۳: ۷۲).

## ۶. نتایج منطقه‌ای سیاست خارجی

انقلاب اسلامی ایران در عین حال که ماهیتی ضد استبدادی و آزادی‌خواهانه داشت اما به شدت ضدسلطه خارجی بود و با الهام گرفتن از ارزشهای اسلامی و آزادی‌خواهانه جنبه فرامرزی نیز داشت. در خصوص تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌ها و نهضت‌های منطقه لازم است در اینجا به دو نکته اساسی توجه شود: نکته اول این که انقلاب اسلامی در یکی از مناطق استراتژیک جهان اتفاق افتاد که ابرقدرت‌های شرق و غرب در آن دارای منافع حیاتی بودند و در حالت بسیار

شکننده‌ای از تعادل قوا قرار داشتند. بنابراین صدور و گسترش این پدیده در منطقه کلیدی خاورمیانه امری نیست که بازیگران سیاست جهانی از آن غافل بوده و برای‌شان کم اهمیت باشد. نکته دوم این است که زمانی که صحبت از تاثیر انقلاب اسلامی بر منطقه‌ای هم چون خاورمیانه می‌شود الزاما منظور تاثیرات ناشی از اقدامات و استراتژی ایران در این منطقه نیست، بلکه بیشتر مقصود تاثیرات ناخواسته از انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی ایران از نظر مفهومی به دلیل دارا بودن ویژگی‌ها و مولفه‌های منحصر به فرد، به قدری توانایی نفوذ پیدا کردن به مناطق مختلف و خصوصا مستعد را داراست که الزاما همیشه لازم به پی‌گیری سیاست‌ها و استراتژی‌های پیچیده‌ای از سوی نظام جمهوری اسلامی برای تاثیرگذاری و نفوذ نیست. این مساله در موضوع تاثیرات انقلاب اسلامی بر منطقه کاملا واضح است. به طوری که بسیاری از این تاثیرات کاملا ناخواسته و به دلیل مبانی پایدار انقلاب اسلامی است که کاملا توانسته به این صورت نفوذ پیدا کند (رضاپور، ۱۳۹۱: ۳۲). به طور کلی تاثیر انقلاب اسلامی بر نهضت‌ها و جنبش‌های منطقه خاورمیانه را می‌توان به دو صورت کمی و کیفی طبقه‌بندی کرد. به عبارت دیگر وقوع انقلاب اسلامی هم سبب افزایش فعالیت نهضت‌های آزادی‌بخش شد و هم نوع فعالیت و مبارزه آن‌ها متأثر از انقلاب اسلامی دچار تحول کیفی شد. مهم‌ترین وجه این تحول را می‌توان در صبغه دینی پیدا کردن مبارزات آزادی‌بخش بسیاری از گروه‌ها دانست.

## ۷. چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و علل شکل‌گیری گروه‌های مقاومت

به طور کلی می‌توان چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه در چهار بخش نظامی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی مورد بررسی قرار داد.

### ۷-۱. چالش‌های نظامی

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که از موقعیت سه‌گانه بری، بحری و گذرگاهی برخوردار است. ایران دارای ۶۰۰۰ کیلومتر مرز خاکی و بیش از ۲۷۰۰ کیلومتر مرز آبی و هم‌جوار با تنگه هرمز یکی از مناطق راهبردی جهان است و در حال حاضر با تهدیدهای متفاوتی از حیث نوع و

ماهیت روبه‌روست. پاسخ به تهدید سخت به قدرت نظامی و آمادگی دفاعی کشور در سطح بالا نیازمند است. به همین سبب انتخاب و اعمال دکترین نظامی<sup>۱۶</sup> مناسب می‌تواند بسیار موثر و راه‌گشا باشد.

دلایل جمهوری اسلامی ایران برای افزایش توان نظامی را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

الف. طیف وسیعی از خریدهای تسلیحاتی توسط کشورهای همسایه شمالی و جنوبی

ب. تهدیدهای مکرر نظامی از سوی رژیم اسرائیل

ج. چشم‌داشت برخی کشورهای همسایه به بخش‌هایی از خاک ایران مانند جزایر سه‌گانه

د. حضور نظامی آمریکا و متحدانش در منطقه و خلیج فارس

ه. پشتیبانی از محور مقاومت

و. مبارزه با گروهک‌های تروریستی حاضر در منطقه

بر اساس نظریه معمای امنیت فعالیت‌های نظامی ایران با هر هدفی که باشد از سوی کشورهای خاورمیانه با توجه به سابقه خصومت یا رقابتی که با ایران داشته‌اند هرگونه فعالیت نظامی از سوی ایران را تهدیدی برای خود تلقی می‌کنند. بر این اساس، اصل را بر تهدیدآفرین بودن فعالیت‌های نظامی ایران قرار داده‌اند که واکنش‌ها و انعکاس خبری فعالیت‌های دفاعی ایران به ویژه رزمایش‌های نظامی که از سوی ایران برگزار می‌شود را می‌توان شاهدهی بر این مساله دانست.

## ۲-۷. چالش‌های اقتصادی

وقتی که وضعیت اقتصادی ایران را به بوته مقایسه با سایر کشورهای منطقه غرب آسیا می‌گذاریم نیاز به تحولات و تغییرات جدی و نیز اقدام‌های اساسی در زمینه اقتصادی کاملاً مشهود می‌باشد. تاکنون ایران تنها در سازمان همکاری اکو عضویت داشته و این سازمان نیز موفقیت چشم‌گیری کسب نکرده است. اخیراً در سال ۲۰۲۳ جمهوری اسلامی ایران به عضویت سازمان شانگهای نیز درآمده است که هنوز نمی‌توان در خصوص مزایای آن قضاوتی کرد. «ایران در منطقه خلیج فارس با کشورهای عرب منطقه به هیچ سازوکاری از همکاری‌های اقتصادی دست نیافت و با وجود سرمایه‌گذاری در عراق و افغانستان در دو دهه اخیر نتوانست با مهم‌ترین شریک تجاری خود یعنی اروپا به موافقت‌نامه‌های

۱۶. دکترین در لغت به معنی اصول، تفکر و مسلک بوده و دکترین نظامی به مفهوم چگونگی هدایت و عملیات رزمی و غیررزمی توسط نیروهای مسلح می‌باشد.

جامعی در زمینه اقتصادی دست یابد. ایران با آن که از پتانسیل های بالا و زمینه های مساعد برخوردار است درصد بسیار ناچیزی از سرمایه گذاری مستقیم جهانی در آن صورت می گیرد» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴). از طرفی تحریم های سنگین و بی سابقه که ایالات متحده علیه ایران اعمال نموده است از جمله مشکلاتی است که اقتصاد ایران با آن دست به گریبان است.

### ۳-۷. چالش های سیاسی

جمهوری اسلامی ایران که بر اساس آموزه های دینی و اعتقادی و آرمان های انقلاب اسلامی سیاست خارجی خود را تنظیم می کند به سبب تفاوت ماهیت و آرمان های خود با کشورهای دیگر با چالش ها و فرصت های عملیاتی متفاوتی در عرصه سیاست خارجی روبه رو بوده است. به طور کلی می توان گفت چالش های سیاست خارجی ایران در منطقه خاورمیانه شامل این موارد می شود: رقابت های ژئوپلیتیک، تعارضات قومی و مذهبی و فرقه ای، حضور قدرت های فرامنطقه ای (آمریکا) در خاورمیانه، شیعه هراسی و ایران هراسی.

### ۴-۷. چالش های زیست محیطی

آسیب های زیست محیطی دیگر تنها بحران های طبیعی نیستند، بلکه می توانند گسترده ای از پیامدها و بحران های امنیتی را در پی داشته باشند. پهنه گسترده مشکلات زیست محیطی و اهمیت آن ها، کم و بیش امکانات و اختیاراتی فراتر از سطح ملی را می طلبد و در نتیجه دولت ها را به در پیش گرفتن مسیری برای همکاری های مشترک منطقه ای یا بین المللی مجبور خواهد کرد. یکی از خطرناک ترین تهدیدات زیست محیطی که در سال های اخیر منطقه خاورمیانه را درگیر کرده است، پدیده ریزگردهاست که اگر برای رفع آن چاره ای اندیشیده نشود، هزینه های جبران ناپذیری را برای دولت های درگیر این پدیده تحمیل خواهد کرد. در دهه های اخیر به دلیل تغییرات شدید اقلیمی و وقوع خشکسالی های پی در پی و طولانی مدت، آلودگی هوا روند رو به رشدی داشته است. جریانات خشک هوای عربستان و تقسیمات آبی نامناسب رودهای دجله و فرات و سرچشمه های آن ها از سوی کشورهای ذینفع، از دیگر عواملی هستند که به گسترش بیابان ها در عراق و سوریه و بخش هایی از ایران کمک کرده و باعث ایجاد مناطق غبارساز شده است. در این بحران کشورهای نظیر ایران، عراق، عربستان، اردن، یمن، ترکیه، قطر، کویت، امارات و کشورهای دیگر متاثر از این ریزگردها هستند. امنیت محیط زیست به مدیریتی پایدار و ماهیت ارتباطات میان دولت ها وابسته

است. بر این اساس به رغم برگزاری نشست‌های گوناگون منطقه‌ای در این زمینه، متأسفانه جنس بحران حل آن را با دشواری مواجه ساخته است؛ زیرا که نیازمند شکل‌گیری ساختارهای چندجانبه یا عمل در قالب ساختارهای منطقه‌ای موجود و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در سطح منطقه و نظام‌بین‌الملل است. اما کیفیت روابط حاکم، نمایان‌گر تهدیدات زیست‌محیطی با چالش‌های سیاسی است که وضع دشواری به خود گرفته است. هر چند در سال‌های اخیر بحران ریزگردها محور مذاکرات و رفت و آمدهای هیئت‌های کارشناسی بوده است ولی باید اذعان نمود که این موضوع هرگز از اولویت‌های کاری کشورهای منطقه نیست.

### ۸. بسترهای شکل‌گیری و افزایش کنشگری نیروی‌های مقاومت جمهوری اسلامی ایران

زمینه‌های شکل‌گیری نیروهای مستشاری جمهوری اسلامی ایران را باید در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهاد اصلی حافظ دستاوردهای انقلاب اسلامی جست‌وجو کرد. ایجاد سپاه پاسداران ریشه در فرهنگ راهبردی شکل‌گرفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارد. فرهنگ راهبردی به تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتارهای راهبردی امنیتی کشورها می‌پردازد و معتقد است که رفتار یک دولت به طور کامل در واکنش به عملکرد دیگران صورت نمی‌گیرد؛ بلکه بر فرهنگ خاص آن کشور مبتنی است. محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای و متشکل از بازیگران دولتی (ایران، سوریه، عراق) و غیردولتی (حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی، انصارالله) است که دارای منافع ملی و ایدئولوژیک می‌باشند و ایران در مرکز آن قرار دارد (رضاخواه، ۱۳۹۱: ۳۹). در هزاره جدید حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱ دو حادثه مهمی بود که ژئوپلیتیک غربی آسیا را تغییر و محیط امنیتی ایران را تحت تأثیر قرار داد. تغییر ماهیت تهدیدات امنیتی و ظهور تروریسم تکفیری، ظهور ژئوپلیتیک شیعه، محاصره توسط آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور، احاطه شدن توسط دولت‌های سنی، شیوع موج ایران‌هراسی توسط محور آمریکا-اسرائیل، بی‌ثباتی و خشونت در غرب آسیا، افزایش هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه، افول رژیم‌های اقتدارگرای عربی، افول ناسیونالیسم عربی و شکل‌گیری الگوهای جدید هویت-قدرت در غرب آسیا (شیعی، اخوانی، سلفی) از مهم‌ترین پیامدهای مادی این تغییرات ژئوپلیتیکی به شمار می‌رود که بر سیاست منطقه‌ای ایران تأثیر گذاشته است (Tabler, 2011: 234). علاوه بر این پیامدهای مادی، از دیدگاه هویتی نیز احیای گفتمان مقاومت که برآیند انباشت عقده‌ها و عقیده‌های به ناحق سرکوب‌شده تاریخی ملت‌های بیدار منطقه است، سبب شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و نهضت‌های آزادی‌بخش شد. این

امر به دلیل چندین دهه حضور صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها است که ژئوپولیتیک منطقه را به سمت ژئوپولیتیک مقاومت سوق داده است (قادری کنگاوری، ۱۳۹۷: ۲۴). در چنین وضعیتی فرصت مناسبی برای یک قدرت منطقه‌ای هم‌چون ایران به وجود آمد تا بتواند ضمن پرکردن خلاء قدرت موجود، جایگاه خود را در سلسله مراتب قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا دهند. علاوه بر شرایط و مناسبات منطقه‌ای، برخورداری از توانمندی‌های نسبی و مشخصاً افزایش توان اقتصادی و نظامی نیز نقش مهمی در تقویت انگیزه‌های کنش‌گری نیروهای مستشاری به عنوان بازوی اجرایی - عملیاتی سیاست‌های منطقه‌ای ایران ایفا کرد. از دید اقتصادی در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۵ افزایش چشم‌گیر درآمدهای نفتی و رشد تقریباً دو برابری تولید ناخالص داخلی از ۲۲۸/۱۸۰ به رقم ۴۵۴/۰۱۳ میلیارد دلار موجب افزایش بودجه دفاعی، توان دفاعی و توسعه توان نظامی جمهوری اسلامی ایران شده است (Oliveira, 2020).

### ۱-۸. راهبرد منطقه‌ای نیروهای مستشاری جمهوری اسلامی ایران

در پرتو تغییرات ژئوپولیتیکی محیط پیرامونی، گفتمان مقاومت سرلوحه سیاست منطقه‌ای ایران قرار گرفت که اشاره به اتخاذ الگوی رفتاری به منظور ایستادگی یک بازیگر در برابر تحولات برهم‌زننده وضع موجود و مناسبات یک دولت دارد. تأکید بر پایداری، اقدام عملی در برابر هژمونی غرب، تکیه بر ظرفیت‌های درون‌زا، تداوم مبارزه و تسلیم نشدن در برابر دشمن از جمله مؤلفه‌های گفتمان مقاومت به شمار می‌رود (مهدی پور، ۱۳۹۸: ۵۴۳). از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی هدف گفتمان مقاومت رسیدن به نقطه بازدارندگی در مسائل سیاسی، اقتصادی و نظامی به منظور رویارویی با دشمن است. بر این اساس راهبرد منطقه‌ای ایران بر مبنای حضور فعال در حلقه‌های امنیتی فوری و غیرفوری (عراق، لبنان، سوریه) پایه‌ریزی شد. حضور مستشاری ایران در عراق - سوریه به منظور تأمین امنیت مرزها و حفظ اتصال ژئوپولیتیکی محور مقاومت (تهران - بغداد - دمشق - لبنان) و حمایت از حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی به منظور اعمال بازدارندگی فعال و محدودسازی ژئوپولیتیکی رژیم صهیونیستی انجام شد. ایران از طریق این رویکرد در پی آن است تا از طریق حضور فعال و همه‌جانبه مستشاری - سیاسی به جای سیاست انتظار و تعریف تهدید از خاک‌ریزها در پی انهدام تهدید از مبدا و ماورای مرزهای خود باشد. ویژگی این رویکرد بهره‌گیری از گروه‌های مقاومت بومی هم‌پیمان در عراق، سوریه، لبنان بوده است (نیاکویی و مرادی کلارده، ۱۴۸: ۱۳۹۴).

بهره‌گیری از شبکه نیروهای هم‌پیمان مقاومت برای جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد کمربند



دفاعی، کاهش هزینه‌های درگیری و افزایش هزینه‌های دشمنان است. بارزترین جلوه این سیاست محور مقاومت است که بر اساس اعتقاد به رویارویی با هژمونی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن شکل گرفته و موجب افزایش دامنه کنش‌گری جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا شده است. نیروی قدس سپاه پاسداران به عنوان عامل اجرایی سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی پس از گسترش تهدیدات نوین امنیتی حاصل از تغییرات ژئوپلیتیکی غرب آسیا (۲۰۱۱-۲۰۱۳) درصدد برآمد تا با بهره‌گیری از گسترش شبکه‌سازی گروه‌های مقاومت بومی ضمن رویارویی با تهدیدات، نفوذ ایران را گسترش دهد. منطق راهبردی نیروی قدس در استفاده از گروه‌های مقاومت بومی بر سه محور عمده متکی است:

الف. گروه‌های مقاومت عامل کلیدی در تحقق اهداف راهبردی ایران برای بازدارندگی به منظور رویارویی با تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه به شمار می‌رود.

ب. گروه‌های مقاومت ابزاری برای تحقق آرمان ایران برای گسترش نفوذ منطقه‌ای و تبدیل به قدرت برتر غرب آسیا به شمار می‌رود. لازمه چنین هدفی نفوذ در کشورهای همسایه از طریق تأثیرگذاری سیاسی، اقتصادی و نظامی است.

ج. از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی منطق کنش‌گری ایران در منطقه دست‌یابی به عمق راهبردی در جهان به ویژه غرب آسیا است. از نظر ایشان «حضور در کشورهای منطقه و طرفداری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی عمق راهبردی جمهوری اسلامی است. فقط هم در منطقه نیست؛ ما در قسمت‌های مهمی از آسیا عمق راهبردی داریم. بعضی به خاطر اسلام، بعضی به خاطر زبان و بعضی به خاطر مذهب شیعه» (بیانات رهبر جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۹۷/۳/۲).

## ۹. راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴

سال ۲۰۱۴ در ایران هم‌زمان با آغاز ریاست‌جمهوری حسن روحانی بوده است. وی که خود را نماینده جریان اعتدال و میانه‌رو در اداره کشور می‌دانست از همان ابتدای ریاست‌جمهوری سیاست اصلی خود را مذاکره با کشورهای غربی اعلام نمود. حسن روحانی بر این باور بود که اساس سیاست‌خارجی بایستی در راستای تأمین منافع ملی و امنیت ملی ایران باشد و اگر سیاست خارجی قادر بود تأمین منافع ملی را تضمین و کشور را در راه توسعه و گسترش قرار دهد و به سخن ساده‌تر هزینه‌ها را کاهش و سودها را افزایش دهد، این سیاست‌خارجی مطلوب خواهد بود؛ بنابراین بر مبنای حقیقت‌های دنیا و شرایط کشور، باید هزینه‌ها را کم و فایده‌ها را بیفزاییم. وی معتقد بود پیام انتخابات

۱۳۹۲ سیاست خارجی پویا و فعال با جهان بوده که البته همراه با احترام، منافع و حفظ حقوق متقابل است. از آنجا که هر دولتی برای پیشبرد اهداف خود در زمینه سیاست خارجی ضمن بهره‌گیری کامل از سیاست خارجی کشور، برنامه‌ها و اصول راهبردی ویژه‌ای را در پیش می‌گیرد، روحانی نیز با اعلام برنامه‌های خود اصول و راهبردهای سیاست خارجی خود را تحت عنوان تعامل سازنده در روابط بین‌الملل اعلام نمود. اهداف ایدئولوژیک دولت روحانی به این شرح مطرح شد؛ ۱. تقویت نقش الهام بخشی ایران و گفتمان اصیل انقلاب اسلامی؛ ۲. تلاش برای همگرایی میان کشورهای اسلامی.

دولت یازدهم برای دستیابی به اهداف فوق پیگیری‌های ذیل را ضروری قلمداد نموده است:

الف. تبیین گفتمان اعتدال‌گرایی در جهت تفاهم و اجماع در سطح ملی

ب. ایجاد انسجام و هوشمندی در نظام سیاست خارجی کشور

ج. مشارکت فعال و تعامل سازنده و موثر

د. توسعه و تعمیق اسلام راستین و ارتقای هویت ایرانی.

با مرور کلی بر منشور و اهداف دولت یازدهم در راستای پیشبرد سیاست خارجی می‌توان گفت که برنامه‌های این دولت تا حدودی با گفتمان سازندگی و اصلاحات مشابهت دارد. آنچه از گفتمان اعتدال و تعامل سازنده می‌توان برداشت نمود به نوعی یادآور گفتمان اصلاحات در خصوص تنش‌زدایی است. دولت اصلاحات نظم و وضع بین‌المللی را ناعادلانه و نامطلوب می‌دانست و به دنبال نظم و نظام عادلانه جهانی بر اساس اصول تنش‌زدایی، اعتمادسازی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، احترام متقابل، گفت‌وگو و منطق مفاهمه بود. به طور کلی از نگاه دولت روحانی گفتمان اعتدال در سیاست خارجی کشور حرکتی واقع بینانه، خودباورانه، متوازن، هوشمندانه و سازنده به منظور ارتقای جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه کشور در سطح منطقه و جامعه بین‌المللی و جهان در حال‌گذار تعریف می‌شود. بنابراین می‌توان گفت دولت یازدهم بر خلاف دولت پیش از خود، از رویکرد تهاجمی در عرصه روابط بین‌الملل تبعیت نکرده و با اتخاذ و پیگیری رویکرد تعاملی با جهان، سیاست نگاه به شرق و شمال و جنوب، اولویت دادن به روابط نزدیک با تمامی همسایگان، تلاش برای حل مشکل پرونده هسته‌ای ایران، تلاش برای کاهش تنش بین ایران و آمریکا، حل بحران سوریه به وسیله خود مردم، آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه، تعامل با نظم بین‌المللی موازنه‌قدرت، قدرت‌جویی بین‌المللی محاسبه‌گرایانه، رویکرد برد - برد و ... نمونه‌ای تغییرات اساسی در نگاه و رویکرد

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره می‌باشد. در ادامه به بررسی وضعیت سیاست‌های ایران در خصوص مهم‌ترین مسائل خاورمیانه در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ پرداخته می‌شود.

### ۹-۱. بحران سوریه

با شروع بحران سوریه سیاست ایران در قبال این کشور وارد مرحله حساس و مهمی شد. تحولات درونی سوریه ابعادی جهانی یافت و مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال رخداد‌های این کشور مهم و تعیین‌کننده می‌نمود. در این خصوص معاون عربی و آفریقایی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران موضع رسمی کشور در خصوص بحران سوریه را این‌گونه بیان کرده بود: ایران در هر شرایطی از جبهه مقاومت و شخص بشار اسد حمایت خواهد کرد. و همچنین گفت سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه بر چهار محور استوار است: توقف خشونت و کشتار در سوریه، عدم مداخله سیاسی و نظامی بیگانگان و حفظ دولت بشار اسد و ضرورت اصلاحات داخلی و رجوع به آراء مردم برای تعیین سرنوشت آینده کشور (میرعمادی، ۱۳۹۷: ۱۶). در دولت حسن روحانی تغییراتی در سیاست خارجی ایران در قبال سوریه نسبت به دوره محمود احمدی‌نژاد رخ داد. ادبیات ناظر بر واقع‌گرایی از جمله حکمت و مصلحت در راهبردهای سیاست خارجی به چشم می‌خورد. راهکارهای عملیاتی نیز به نظر دچار تغییراتی شده است. ارائه طرح چهار ماده‌ای، حضور در کنفرانس وین، تأکید بر اصل قرار گرفتن خواست مردم درباره سرنوشت آینده سوریه و عدم دخالت خارجی از جمله این تغییرات است. ایران در تلاش بود تا به کشورهای منطقه و فرامنطقه نشان دهد مبارزه با تروریسم اولین گام برای بازگرداندن صلح و امنیت به منطقه است. همان‌گونه که در اجلاس سوریه در نیویورک و بعد از تصویب قطعنامه ۲۲۴۴ شورای امنیت در قبال بحران سوریه (۲۷/آذر/۹۴) جان کری وزیر خارجه وقت ایالات متحده اذعان کرد طرح چهار ماده‌ای ایران برای بحران سوریه با قطعنامه شورای امنیت تشابهات زیادی دارد. به نظر می‌رسد رویکرد ایران در خصوص بحران سوریه به دو دلیل مبتنی بر تعادل با جامعه جهانی در جهت حل بحران و اصل قرارداد خواست مردم سوریه در تعیین ساختار آینده نظام سیاسی این کشور باشد. نخست به دلیل وقوع چرخه گفت‌وگوهایی مورد انتظار در دولت و حاکمیت نوعی از آرمان‌گرایی واقع‌نگر بر سیاست خارجی ایران. دوم به دلیل تقویت بعد واقع‌گرایی در جهت ایجاد توازن و تعادل میان عناصر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی.

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مولفه‌ها
قدرت سخت	حمایت نظامی و مستشاری از حکومت مرکزی در برابر تروریست‌ها	حمایت همه‌جانبه از حکومت بشاراسد و انتقال نفوذ ایران
قدرت سخت	تقویت نیروهای حاضر در محور مقاومت در نزدیکی مرزهای اسرائیل	حمایت از محورمقاومت
قدرت نرم	توسعه و بسط ارزش‌های فرهنگی تشیع میان شهروندان سوری	تمرکز بر دیپلماسی سیاسی فرهنگی
قدرت نرم	تمرکز بر همکاری شیعیان علوی و ایجاد همکاری براساس تهدید مشترک	ایجاد پیوند میان ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی اسلامی

مولفه‌های قدرت ایران در سوریه در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ (منبع: اکبرپور و کشیشیان، ۱۳۹۹)

## ۹-۲. وضعیت عراق

خط قرمز جمهوری اسلامی ایران حفظ تمامیت ارضی کشور عراق است. این اهمیت به خصوص در طی هجوم داعش به بخش‌هایی از کشور عراق خود را نشان داد. جمهوری اسلامی در مرحله اول اقدام به ارسال کمک به مردم عراق قبل از سایر کشورها نمود. در مرحله دوم شناخت کشورهای هم‌سو با منافع جمهوری اسلامی ایران مثل روسیه در مبارزه با داعش بود. مرحله سوم برای داشتن قدرت در مذاکرات برای پیشبرد اهداف و مواضع خود و براساس نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر کمک‌های تبلیغی اقدام به ارسال نیروی قدس سپاه به طور مستقیم به عراق و سوریه کرد و این مساله را در سیاست‌های اعلامی خود نیز بیان نمود. مساله‌ای که به خاطر خشونت‌های شدید داعش از سیاست پنهانی به سیاست‌های افتخاری برای مردم و مسئولان تبدیل شده است. در مرحله چهارم تبدیل جمهوری اسلامی ایران از یک کشور حامی تروریست در منطقه (به زعم غربی‌ها)، به کشوری قدرتمند و تاثیرگذار که خود مستقل از نفوذ ابرقدرت‌هایی مثل آمریکا

و روسیه تصمیم‌گیری می‌کند، است. ایران در مورد چگونگی مبارزه با داعش به خاطر موفقیت‌های نظامی نیروی زمینی و حضور فعال و موفق در دو کشور عراق و سوریه در کنار موفقیت‌های بین‌المللی مثل برجام و گشودن دروازه‌های خود برای ارتباط موثر و منفعت‌محور با کشورهای اروپایی و آمریکا است. بنابراین می‌توان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در عراق طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ که متأثر از حضور داعش در منطقه بود به این شرح بیان نمود:

الف. حضور پررنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش

ب. تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش

ج. ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در اقلیم

د. سازمان‌دهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش

ه. انجام فعالیت‌های مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش

و. تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران

ز. تغییر حمایت از دولت نوری مالکی به وادار کردن او برای کنار رفتن از قدرت در جهت روی کار آمدن حکومت مرکزی مقتدر شیعی که مورد توافق همه عراقی‌ها باشد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با عراق با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی و با توجه به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در قالب هویت اسلامی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در جدول ذیل اصلی‌ترین مولفه‌های قدرت ایران در عراق بیان شده است.

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مولفه‌ها
قدرت نرم	شیعیان و کردهای شیعه مذهب و توسعه مناسب‌های مذهبی	تقویت و تمرکز بر اشتراکات مذهبی
قدرت نرم	ریشه‌های مشترک زبانی و نژادی کردها با ایرانیان	تمرکز بر حوزه اشتراکات فرهنگی
قدرت نرم	تلاش برای در هم تنیده کردن مناسبات اقتصادی و افزایش سطح صادرات	توسعه مناسبات اقتصادی
قدرت سخت	همکاری با ارتش و نیروهای حشدالشعبی و پیش‌مرگ‌ها در مقابله با داعش	حضور مستشاری نظامی و حمایت از نیروهای حشدالشعبی

مولفه‌های قدرت ایران در عراق در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ (منبع: اکبرپور و کشیشیان، ۱۳۹۹)

### ۹-۳. یمن و حوثی‌ها

طبق آمارهای سازمان سیا در آمریکا، در سال ۲۰۱۰ در حدود ۳۵ درصد از جمعیت ۲۶ میلیون نفری یمن را شیعیان و حدود ۶۵ درصد را اهل تسنن تشکیل می‌دادند (Stein, 2019: 18). مساله کلیدی نفوذ و جایگاه ایران در یمن با محور مقاومت و شیعیان این کشور، در قالب حوثی‌ها می‌باشد. البته باید به نفوذ گسترده ایران در میان شیعیان زیدی به ویژه به جنبش حوثی‌ها اشاره کرد که نگرانی‌های عربستان سعودی و آمریکا را برمی‌انگیزد. تاثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن به ویژه جنبش حوثی‌ها عمیق است و در میان آنان تاکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبارستیزی کاملاً مشهود می‌باشد (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۷). مبانی ایدئولوژیک و نقش‌آفرینی فعال ایران در بحران یمن، بسترهای لازم برای کنش‌گری هویت‌بخش و بقامحور کشور را به وجود می‌آورد. بنابراین یمن را باید از جمله کشورهایی دانست که به دلیل وجود مبانی دینی و اعتقادی مشترک با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن، هم‌چنین قرار گرفتن در ژئوپلیتیک بیداری اسلامی، از اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای جهت حفظ نفوذ ایران در منطقه و تداوم ارزش‌های انقلاب اسلامی برخوردار است. مولفه‌های قدرت ایران و سیاست اتخاذ شده در قبال کشور یمن به شرح جدول زیر می‌باشد.

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مولفه‌ها
قدرت نرم	ترویج اشتراکات فرهنگی و ارزش‌های انقلابی میان شیعیان	پیوندهای فرهنگی با شیعیان یمن
قدرت سخت	حمایت نظامی و مستشاری در نبرد با دولت منصور هادی	حمایت از حوثی‌ها در چارچوب آمریت، سخت و نظامی
قدرت نرم	حمایت از شهروندان جنگ‌زده و قربانیان تجاوزات ائتلاف عربی	کمک بشردوستانه به مردم یمن

مولفه‌های قدرت ایران در یمن در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ (منبع: اکبرپور و کشیشیان، ۱۳۹۹)

### ۹-۴. عربستان سعودی

دولت روحانی طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ از دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی

اقداماتش در جهت شکل‌گیری به متغیرهای سیاست منطقه‌ای خود در خاورمیانه و خصوصاً در رقابت با عربستان استفاده کرد. جمهوری اسلامی که دیپلماسی عمومی را برای افزایش نفوذ خود در منطقه حیاتی می‌داند بر طیفی از روایت‌هایی اتکا دارد که به مذاق احساسات عمومی در جهان عرب خوش می‌آید. از جمله مقابله با امپریالیسم، مذهب و آرمان فلسطین و این روایت‌ها را از طریق پخش برنامه‌های رسانه‌ای و نیز نفوذ فرهنگی و مذهبی در کشورهای منطقه گسترده می‌کند. هر نوع موفقیتی که جمهوری اسلامی در این عرصه به دست می‌آورد نه تنها به مزایای ذاتی ایران مانند قرابت جغرافیایی، مذهبی و تاریخی، بلکه به سرمایه‌گذاری این کشور روی اشتباهات سیاسی بازیگران دیگر در منطقه، تاریخ طولانی استفاده تهران از دیپلماسی عمومی برای پیگیری منافعش و خلا قدرت نرم برمی‌گردد که در غیاب دولت‌های عربی و آمریکا به وجود آمده و ایران در آن عملاً بی‌رقیب به فعالیت می‌پردازد (همان: ۳۳). دیپلماسی عمومی ایران، علاوه بر یک استراتژی جامع پیام‌رسانی که از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، روزنامه، وب‌سایت و رسانه‌های اجتماعی برای تقویت روایت‌های این کشور استفاده می‌کند، مواردی مانند کنفرانس‌ها و برنامه‌های تبادل آموزشی، فرهنگی و مذهبی را نیز شامل می‌شود. فعالیت‌های رسانه‌ای ایران تحت نظارت سازمان صدا و سیما انجام می‌گردد. این صدا و سیما است که رسانه‌های عربی زبان از جمله «الکوثر» و «العالم» را اداره می‌کند. هدف این شبکه‌ها ترویج ایدئولوژی ایران و مهم‌تر از آن خشی‌سازی تبلیغات و لفاظی‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داده‌اند. (Bani Kamal, 2018: 63).

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مولفه‌ها
قدرت سخت	توسعه برنامه شبکه‌های الکوثر و العالم و تبلیغ رسالت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران	تاثیرگذاری و نفوذ میان شیعیان عربستان
قدرت سخت	توسعه و توانمندی نظامی برای رفع تهدیدات و دست‌یابی به برتری نظامی	تقویت توانمندی محور مقاومت
قدرت نرم	حمایت همه‌جانبه حوثی‌ها و نیروهای حاضر در جنبش انصارالله	نفوذ در یمن در هم‌جواری با مرزهای عربستان

مولفه‌های قدرت ایران در عربستان در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ (منبع: اکبرپور و کشیشیان، ۱۳۹۹)

## ۹-۵. روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس

ساختار منطقه خاورمیانه به لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی متحول شده است. تا جایی که در چارچوب ساختار شبکه‌ای نوین این منطقه می‌توان از انواع گره‌های ژئوپلیتیکی سخن گفت که در این میان مهم‌ترین آن‌ها خلیج فارس است. این گره یا زیست‌بوم منطقه‌ای پس از جنگ دوم جهانی و خروج انگلستان با تحولات گسترده‌ای روبرو شده است که مهم‌ترین آن‌ها استقلال سیاسی و اقتصادی شیخ‌نشین‌های عربی حوزه خلیج فارس است. این خود به معنی ظهور بازیگران جدید در عرصه نظام منطقه‌ای خلیج فارس است. معمولاً در طول چند دهه گذشته کشورهای حاشیه خلیج فارس روابط خصمانه‌ای در قبال جمهوری اسلامی ایران در دستورکار قرار داده‌اند. این مساله بستر ایجاد تعارض میان دو طرف را در منطقه به دنبال داشته است. در این میان تلاش‌هایی برای بهبود روابط و همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف میان دو طرف صورت گرفته است، ولی همچنان تعارض‌های دو طرف در زمینه‌های ایدئولوژیک، فرقه‌ای، مذهبی، جزایر سه‌گانه ایرانی، برنامه هسته‌ای ایران، مساله امنیت در خلیج فارس، حضور نظامی آمریکا در منطقه و رویکردهای متعارض ایران و عربستان وجود داشته است.

با توجه به اقدامات این کشورها و قدرت‌های خارجی مداخله‌گر، سیاست ایران در قبال کشورهای حاشیه خلیج فارس بیشتر بر اساس سه ملاحظه انجام می‌شد:

الف. امیدوار است دشمنان را به دوستان تبدیل کند، موقعیت مزوی را بهبود بخشیده، مشکل امنیتی و ژئوپلیتیکی را در منطقه خلیج فارس حل نماید؛

ب. توسعه روابط تجاری با همسایگان خلیج فارس و ترویج توسعه اقتصادی ایران؛

ج. همراهی کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایران به منظور کاهش نفوذ آمریکا در خلیج فارس و تضعیف دشمنی این کشور با ایران.

حسن روحانی مشهور به شیخ دیپلمات با رویکرد اعتدال و عمل‌گرایی خود بعد از انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور، به دنبال پایان بخشیدن به انزوای بین‌المللی ایران با یافتن راه‌حلی برای مساله هسته‌ای ایران بود تا از درگیری غیرمنطقی و غیرضروری در منطقه جلوگیری کند. بنابراین پس از مذاکرات طولانی و دشوار با قدرت‌های جهانی، سرانجام طرفین به توافقنامه‌ای مبنی بر اجرای برنامه جامع اقدام مشترک<sup>۱۷</sup> (برجام) در ژوئیه ۲۰۱۵ رسیدند که از ژانویه ۲۰۱۶ اجرا می‌شد. هم‌چنین در



نیمه اول سال ۲۰۱۴ محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت ایران اعلام کرد: «جمهوری اسلامی می‌تواند به طور فعال در احیای صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای نقش داشته باشد و در مرحله گذار کنونی در روابط بین‌الملل نقش تسهیل‌گر ایفا کند. داشتن روابط سازنده و اعتمادساز به ویژه با همسایگان نزدیک، سنگ بنای سیاست منطقه‌ای ایران خواهد بود» (MacAskill, 2017: 10). پس از این سخنان امنیت منطقه‌ای به عنوان یکی از اصول مهم در سیاست خارجی دولت روحانی مطرح گشته و بهبود و گسترش روابط با کشورهای خلیج فارس به عنوان اولویت اصلی منطقه‌ای نهادینه گردید.

### ۱.۰. ارتباط بین راهبرد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران و مکتب کپنهاگ

جمهوری اسلامی ایران نظامی مکتبی و توحیدی است که برای ترسیم الگوی امنیتی این نظام سیاسی باید به منابع اصیل اسلامی مراجعه شود. مکتب امنیتی جمهوری اسلامی در ابعاد همه‌جانبه معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی و ... از مبانی و آموزه‌های اسلامی بهره می‌برد و مانند مکاتب غربی تک بعدی نیست. با توجه به کلیه نکات مطرح شده در خصوص چرایی اعتبار مکتب کپنهاگ و نیز نقدهای وارد شده به این مکتب به نظر می‌رسد که با توجه به خصوصیات این مکتب که آن را به راه میانه در مطالعات امنیتی تبدیل کرده است و هم‌چنین زمینه‌ها و قابلیت‌هایی که برای جذب تحولات در مطالعات امنیتی در درون چارچوب نظری خود دارد، می‌تواند به گونه‌ای پویا و با جذب عناصری از سایر نظریه‌ها خصوصاً در مبانی هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی و رهیافت روابط بین‌المللی، چارچوب تحلیلی مناسبی در اختیار دانش‌پژوهان حوزه امنیت قرار دهد. این مکتب که صرفاً بر مطالعات امنیتی دوران پس از جنگ سرد تأکید دارد به نظر می‌رسد که می‌تواند به عنوان الگویی مناسب و مفید برای درک هر چه بیشتر مسائل امنیتی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد و این دلیل که به عنوان راهی میانه در نظرات امنیتی بین اثبات‌گرایی و پسا اثبات‌گرایی، مطرح است و بر مسائلی چون، هویت، تاریخ، فرهنگ و هنجارها توجه دارد، می‌تواند در بسیاری از زمینه‌های مطالعات امنیتی راهگشا تلقی شود. هم‌چنین توجه کافی به مطالعات امنیتی منطقه‌ای از یک طرف و رویکرد موسع از امنیت از طرف دیگر مکتب کپنهاگ را به عنوان یک مکتب مهم امنیتی تبدیل ساخته است.

به عبارت دیگر این مکتب چون هم بر مطالعات امنیتی پس از جنگ سرد می‌پردازد و هم بر مطالعات پیرامون مسائلی هم‌چون مهاجرت، هویت و امنیت منطقه‌ای پس از یازدهم سپتامبر اهتمام داشته،

می‌تواند به عنوان یک الگوی مطالعاتی در زمینه امنیت مورد توجه قرار گیرد. بنابراین نگارنده تصمیم گرفته است در این پژوهش از مکتب امنیتی کپنهاگ استفاده نماید.

از طرف دیگر مکتب کپنهاگ دارای نوآوری در مطالعات امنیت منطقه‌ای است که یکی از مهم‌ترین این نوآوری‌ها سطح تحلیل می‌باشد. به طور کلی سه دیدگاه کلان در خصوص نقش مناطق و جایگاه آن وجود دارد؛ بر اساس دیدگاه اول بازیگران بین‌المللی در هر سطح و موقعیتی که قرار دارند، رفتارهای مختص به خود را خواهند داشت و بنابراین سطح منطقه‌ای نیز جایگاه ویژه و جداگانه‌ای نخواهد یافت. به این ترتیب نظریه‌های امنیتی که در سطح بین‌المللی وجود دارند قابلیت تطبیق و تحلیل مسائل منطقه‌ای را نیز دارا می‌باشند. دومین دیدگاه مناطق را به صورت جداگانه از هم فرض می‌کند و اعتقاد دارد که مفروضات و متغیرهای هر منطقه، خاص همان منطقه می‌باشد و قابل تعمیم و تطبیق به سایر مناطق نیست. سومین دیدگاه نگاهی میانه به دو دیدگاه پیشین دارد. در واقع از نظر این دیدگاه مناطق دارای سطح تحلیل جداگانه بوده و از سطوح بالاتر و پایین‌تر از خود هم متأثر شده و هم تاثیرگذار خواهند شد. اما از سوی دیگر هر چند مناطق از نظر ویژگی‌ها با هم فرق دارند، اما ضرورتی برای طرح معیارهای مخصوص به هر منطقه وجود ندارد و تنها تفاوت‌های مناطق در ساختار امنیتی آن‌ها می‌باشد (قادری کنگاوری، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

از آن‌جا که مکتب کپنهاگ نگاهی چندجانبه به مفهوم امنیت دارد و این مفهوم را ذیل ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تعریف می‌کند می‌تواند به عنوان یک الگو در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران استفاده گردد. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی تاکنون ابرقدرت‌های جهانی تلاش نمودند ایران را در همه ابعاد و زمینه‌ها تحریم و تحت فشار قرار دهند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران که تمام ابعاد حیاتی پیشرفت و توسعه خود را تحت تحریم می‌دید ناچار به سمت اتخاذ سیاست ضدتحریمی چندجانبه می‌رود. بر همین اساس این سیاست‌ها قرابت زیادی با چارچوب امنیتی مکتب کپنهاگ یافته است.

### نتیجه‌گیری

با تأسیس جمهوری ترکیه بر روی ویرانه‌های امپراتوری عثمانی تا زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (آک پارتی) شاهد افت‌وخیزهایی در جهت انطباق ساختار اجتماعی با نهاد قدرت هستیم اما هیچ‌کدام از آن‌ها تا زمان به قدرت رسیدن اردوغان و تشکیل دولت از سوی وی به اهداف خود در جهت تحقق توسعه سیاسی دست نیافته‌اند، البته این به معنای موفقیت کامل دولت اردوغان

در این راستا نیست و توسعه‌سیاسی در ترکیه در صد سال اخیر با فراز و فرودها و چالش‌های گوناگون وابسته به ماهیت نهاد دولت و سیاست‌های آن بوده است. ترکیه دارای یک سنت دولت قوی است که بر پایه آن، نهادهای دولتی نقش غالب و مسلطی دارند. در مقابل نهادهای غیردولتی مانند سازمان‌های جامعه‌مدنی، نیروهای اجتماعی و برخی فعالان اقتصادی هستند که ریشه در ساختارهای دولتی ندارند و عموماً ضعیف و بازیگرانی منفعل بوده‌اند. ضعف جامعه‌مدنی در ترکیه و بی‌اعتمادی نخبگان دولت به فعالان غیردولتی به دوران عثمانی برمی‌گردد. اعلام جمهوری در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ شرایط جدیدی را فراهم کرد و پس از آن دولت‌مردان ترک قدم‌های بلندی را برای گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی خود برداشتند که موجب تغییرات گسترده در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه نیز شد. دولت اردوغان هم در پیروی از سنت دولت قوی در ترکیه مستثنا نیست و از دریچه روان‌شناسی سیاسی رجب طیب اردوغان نیز تمایل به مشی اقتدارگرایانه دارد اما این موضوع به عنوان مانعی بر سر راه توسعه‌سیاسی عمل نکرده است و در این مسیر گام‌های مهمی برداشته شده است. اردوغان که در اوج نگرش‌های ارتجاعی نسبت به سکولاریسم ترکیه رشد کرد، توانست با طرح ایده «ترکیه جدید» که فرهنگ اسلامی را ترویج می‌کند، از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمان خود سود ببرد. از این رو بر اساس یافته‌های این نوشتار اردوغان در چهار دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷، ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ و بعد از ۲۰۱۶ افت و خیزهایی در روند توسعه‌سیاسی در ترکیه را رقم زده است اما بر اساس تحلیل روان‌شناسانه مانع و تبدیل به ضد توسعه‌سیاسی نشده است اما در برهه‌هایی در روند آن اخلاص ایجاد کرده است. با حمایت سیاسی مورد نیاز، او در ایجاد پاسخ‌های قانونی و قانونی که قادر به نگه داشتن رقبا، پیکربندی مجدد نظام سیاسی و دگرگونی پیش‌فرض‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی ترکیه باشد، موفق شده است. موفقیت روزافزون اردوغان در ایجاد یک خط رهبری که منجر به شکل‌گیری زمینه‌های توسعه‌سیاسی شده است را با شناخت روان‌شناسانه وی بهتر درک می‌کنیم، البته اگرچه به اقتدارگرایی نزدیک‌تر است تا دموکراسی؛ صرف نظر از اینکه چقدر ممکن است از نظر کشش مفهومی انعطاف‌پذیر باشد. تحلیل تک‌بعدی نقش اقتدارگرایانه اردوغان و پیوند زدن آن به استبداد در ترکیه، نمی‌تواند واقعیت‌های موجود در این کشور را به تصویر بکشد و تلاش مخالفان وی برای کنار گذاشتن اردوغان از قدرت از طریق سازوکارهای رشدیافته سیاسی در این کشور به خوبی واقعیت‌های موجود در ترکیه را به تصویر می‌کشد که یکی از نمونه‌های ارتقای توسعه‌سیاسی است.

## منابع

۱. ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۸)، نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، انتشارات قومس
۲. اکبرپور، علی و گارینه کشیشیان (۱۳۹۹)، تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در دولت یازدهم، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره نهم، شماره ۱
۳. بیانات رهبر انقلاب در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹
۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، گفتمان، پادگفته‌ها و سیاست، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
۵. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، مسئله هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ. تهران: نشر نی.
۶. رضایپور، حسین (۱۳۹۱)، تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره یازدهم، شماره ۳۷
۷. رضاخواه، علیرضا (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی و آینده محور مقاومت، مجله زمان، شماره ۳۲
۸. طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۸۸)، حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی سال سوم، شماره ۸
۹. فسا، جابر (۱۳۹۹)، ارزیابی تأثیرات حزب‌الله لبنان در ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی لاهیجان
۱۰. قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۷)، نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه‌ای، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۱، شماره ۴۰
۱۱. محمدیان، علی و علیرضا رضایی (۱۳۹۷)، تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره حسن روحانی، کنفرانس جهانی آینده‌پژوهی و افق‌های جدید در علوم انسانی
۱۲. مهدی پور، آسیه (۱۳۹۸)، بررسی رابطه علمی توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۲، شماره ۲
۱۳. میرزازاده، فرامرز (۱۴۰۱)، تطور هویتی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی، نشریه گفته‌ها و سیاست انقلاب اسلامی، پاییز ۱۴۰۱
۱۴. میرعمادی، سیدرضا (۱۳۹۷)، طرح معامله قرن؛ محورها، اهداف و بازیگران و پیامدها، خبرگزاری پارس تودی، ۲۷ تیر
۱۵. نجات، سیدعلی (۱۳۹۵)، راهبرد عربستان سعودی و ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره ۳

۱۶. نیاکویی، امیر و سجاد مرادی (۱۳۹۴)، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۱

17. Bani Kamal, Abdol Moghset (2018), Uluslararası Politik Araştırmalar Dergisi, Volume 4, Issue 2
18. Chmaytelli, Maher (2017), "Abadi defends role of Iranian-backed paramilitaries at meeting with Tillerson," Reuters, October 23, p.p:1-4. See to: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-iraq/abadi-defends-role-of-iranian-backed-paramilitaries-at-meeting-with-tillerson-idUSKBN1CS26X>.
19. MacAskill, Ewen and Traynor, Ian (22 June 2017), Saudis consider nuclear bomb, The Guardian. From: <https://www.theguardian.com/world/2003/sep/18/nuclear.saudi-arabia>
20. Oliveira, V (2020), The Copenhagen School and the Securitization Theory, ed. São Paulo: Lua Nova
21. Stein, Alfred (2019), "Middle East missile race: the missile defense review, Iran, and the implications for the Gulf", Foreign Policy Research Institute, available at: <https://www.fpri.org/article/2019/01/middle-east-missilerace-the-missile-defense-review-iran-and-the-implications-for-the-gulf>.
22. Tabler, Andrew (2011), "In the Lion's Den: An Eyewitness Account of Washington's Battle with Syria: Lawrence Hill Books.